



عابدین بابی

شاعر و منتقد

احساس به معنی دریافت یا یافتن و درک کردن و آگاه شدن به کار رفته است. درک چیزی است یا یکی از حواس. اگر احساس با حس ظاهر باشد آن را مشاهدات می گویند و اگر با حس باطن صورت گیرد آن را وجدانیات می گویند. پس چنین می توان دریافت کرد که هر احساسی مر تبط با محیط پیرامون است و از طریق حواس پنجگانه به ذهن ما منتقل می شود. مثلاً ما صدای آب یا باران را از طریق حس شنوایی دریافت می کنیم و یا شیرینی و یا تلخی یک چیز را از طریق حس چشایی درمی یابیم و یا یک منظره زیبا را از طریق حس بینایی درک و فهم می کنیم. یک شاعر دارای دو نوع دنیاست: یکی دنیای درون است و دو دیگر، دنیای بیرون. شاعر از درونیات خویش به سمت دنیای بیرون حرکت می کندو با یک اتفاق بایسته توجه در بین درون و بیرون شاعر، شعر متولد می شود. شعر از احساس، عاطفه و خیال صورت و سیرت خود را به دست می آورد. طبیعت و جامعه دو عامل مهم در جهت ارتباطی تنگاتنگ با احساس شاعر به شمار می روند؛ به طوری که بدون دریافت های طبیعی شاعر قادر به آفرینش یک اثر ادبی نیست. گزینش واژه هایی طبیعی در یک شعر از مهم ترین ویژگی هایی به شمار می روند که شاعر بایستی به این مهم توجه بایسته و تفقد شایسته ای را داشته باشد. گرایش و میل به حس، در ناخودآگاه ما وجود دارد و کار شاعر تنها خودآگاه کردن این حس مفهومی در قالبی هنری – اجتماعی است. یعنی مقوله «تبدیل» مهم ترین عنصر فراروی شاعر است که باید این تبدیل را در گُنه مفاهیم شعر به کار گیرد. شعر احساس شعری است که از بن مایه های طبیعت و اجتماع خیز برمی دارد و به سمت خیزابهایی طبیعی سوق می یابد و این بن مایه ها را با ظرافتی عمیق و شرافتی عتیق توأم با زیبایی گویا و پویا به سمت دایره فهم و اندیشه هدایت می کند. شعر احساس شعر دیروز است و آنبخوردن آن در قالبی ناآوردنیسم تعریف شده است. بدین سان که مواد و مصالح آن در بطن طبیعت استخراج می شوند. با گزینش واژه هایی ممنوعی نمی توان شعری پر احساس را خلق کرد و این فرآیند مهم در دایره ادبیات و شعر مبرهن به و اثبات رسیده است. دو دیگر، شعر عقل است. شعر عقل، شعری است که توأم با فکر و اندیشه به وجود می آید. بسیاری فکر کردن توسط شاعر در جهت تولید یک اثر ادبی از مهم ترین ویژگی های شعر غزل به شمار می رود. در شعر احساس شاعر ناهوشیار است و این ناهوشیاری به صورت غیرعقلانی و عقلایی در ذهن شاعر تلفه می بندد اما در شعر عقل این گونه نیست زیرا که شاعر هوشیار و هوشمند بوده و از طریق همین هوشیاری شعر خود را با بافت و ساختی هنرمندانه به دایره تصویر و تبیین می رساند. به دیگر بیان، شعر عقل به شعری گفته می شود که پشتوانه آن هوشیاری است. یعنی شاعر با مستفاد شدن از هوشمندی خود شعری می سزاید. بنابراین در شعر احساس شاعر یا با حس ظاهر شعر می گوید و یا با حس باطن. شهود در شعر با حس ظاهر شاعر شکل می گیرد و ذات در شعر و درون بینی و درون نهانی در شعر با حس باطن صورت می پذیرد. در زوایایی دیگر شعر را در کار بست دیگر هم می توان احساس کرد: یکی کار بست آموختنی است و دو دیگر کار بست آمدنی است. شعر آموختنی همان شعر مدرسه و دانشگاه است که دانش آموز و دانشجو توسط معلم خویش آن را یاد می گیرد و به مرور زمان ممکن است که این یادگیری تبدیل به سرایش هایی هم از جانب آموزنده شود اما شعر آمدنی نوعی شعری آلبدهه و خارق العاده است که در اندرون خود شاعر بایش و زایش به بودن و شدن می کند. شعر آمدنی نوعی شعر خود آمده است که این خودآمدگی خویش را هم در ازمنه ها و دامنه های تاریخ ادبیات به دست آورده است و این گونه از شعر را هم می توان در متون ادبی قدیم و کلاسیک ایران به عینه مشاهده کرد و در دنیای امروز هم کم سنگ و کم رنگ شده است اما شعر آموختنی همان شعری است که بر اساس پارامترهای ادبی جهان امروز به ما منتقل و تزریق می شود و این ژانر شعری از کهن الگوهای ادبی– هنری تثبیت و تعلیم می گیرد. بن مایه شعر از جهان معناست و شاعر بدون دنیای عینی قادر به سرودن شعر در بافتی معقول و ساختی مقبول نیست. پس دریافت این است که شعر ارتباطی عمیق با جهان عین و جهان ذهن هم دارد که البته همین رابطه دو سویه جهان عین و ذهن خود عاملی است تا که شاعر بتواند شعر خود را در بطن همین جهان ها به دستگاه مفاهمه ذهن خویش منتقل کند. احساس گرایی در شعر به معنی گرایش شاعر به سمت و سیاق طبیعت و اجتماع یا بهره گیری از مؤلفه های کارآمد این دواست. احساس گرایی و جمع گرایی در شعر دو پارامتر مهم از شاعرند که در شعر خود لحاظ می کند؛ زیرا که احساس رابطه ای دیرینه با طبیعت و انسان دارد به شیهوای که می توان گفت طبیعت و انسان فرزندان احساس به شمار می روند. حس و حال گرفتن در یک شرایط و موقعیت خاص و هیجانی که شاعر یا هنرمند آن حس را به دایره آفرینش می آورد و همان حس را هم به جامعه منتقل می کند؛ نوعی اموشنالیسم است.

هادی خوانساری در گفت و گوبا «آرمان ملی»:

جریان های پیشرو همیشه با مخالفت و مقاومت مواجه می شوند



آرمان ملی – هادی حسینی نژاد: مخاطبان شعر معاصر در نیمه دوم دهه ۷۰، با حرکت های نوگرایانه ای در حوزه غزل مواجه شدند که با وجود تجربیات پیشین، به شکل منسجم تری مطرح می شد. **طولی نکشید که عنوان «غزل پیشرو» به همراه مجموعه غزل هایی که یکی پس از دیگری، به بازار کتاب می آمدند و نظر مخاطبان را به خود جلب می کردند، روی زبان ها افتاد.** هادی خوانساری یکی از چهره های شناخته شده و فعال آن نسل از غزلسرایان بود که بعدتر، مانیفست غزل پیشرو را نوشت و اقبال چهره های پیشکسوت شعر معاصر را نیز با خود داشت. حالاکه بیش از ۴ دهه از آن سال های پر تلاطم گذشته است فرصتی دست داد تا با این شاعر و فعال فرهنگی، گپ و گفتی درباره موقعیت شعر داشته باشیم که مشروح آن را در ادامه می خوانید.

◀ **جریان موسوم به غزل پیشرو یا مدرن در دهه ۷۰، رونق گرفت و توجه سایر جریان های ادبی و مخاطبان را به خود جلب کرد.** امروز به این مسیر طی شده، چه نگاهی دارید و عنوان «پیشرو» را برای آن، چطور تعبیر می کنید؟ کلمه پیشرو، ترجمه کلمه فرانسوی آوانتگارد است. در گذشته، علم یا نشانه ای را در ابتدای یک لشکر و سپاه می افراشتند که حکم معرف و شناسه را داشت و در عین حال، مسیر حرکت را به سپاهیان نشان می داد و به آن، آوانتگارد می گفتند؛ یک چیزی مثل درفش کابوایی در فرهنگ باستانی ما. پیشرو بودن در هر حوزه ای از جمله در شعر، کار دشواری است؛ خصوصاً در شرایطی که زیرساخت های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی یک جامعه برای پذیرش تغییر و تحول، آماده نشده باشد. معمولاً هنرمند یا شاعر پیشرو، کسی است که برای دیگران، پیشنهادهای تازه ای دارد و جسارت بر هم زدن چارچوب های قدیمی را چه در فرم و چه در محتوا، دارد. سابقاً پیشنهادهای ارائه شده از سوی هنرمندان پیشرو، به نسل های بعدی تلقق خواهد داشت و در زمان حیات او، چندان رواج پیدا نمی کند. اما در حال حاضر به دلیل رشد بالای تغییرات در جوامع بشری، یک هنرمند پیشرو می تواند مخاطب خودش را – هر چند محدود – پیدا کند. اگر چه همیشه مقاومت هایی وجود داشته و دارد که با هر گونه تحول و تغییر ی برخورد می کنند و این مساله، کار چهره های پیشرو را سخت می کند. دلیل این مقاومت ها هم این است که آنها می خواهند جوامع ایستای خود را به حرکت وادار کنند و این مساله، قطعه به مذاق کسانی که به وضع موجود عادت دارند و بر پایه وضع موجود و ایستای جامعه، برنامه های خود را استوار کرده اند، خوشایند نیست. جریان پیشرو، طالب نوع دیگری از اندیشیدن است و تجربیات تازه را دنبال می کند. اساساً هنر پیشرو، تجربه را و عمل می کند. درباره غزل پیشرو نیز، چنین مقاومت هایی وجود داشت. تا پیش از آن، مبنا و شناسه خاصی وجود نداشت که آن را تبیین کرد. من از پایه گذاران این جریان بودم و در ادامه، شاعران دیگری نیز به جمع ما پیوستند. خوشبختانه تجربیات موفق ی داشتیم و باعث شد علاوه بر شاعران کلاسیک سرا، نظر شاعران نوگرا و سپیدسرا نیز بار دیگر به سمت غزل جلب شود. حتی بعضی از آنها، چه اعتراف بکنند و چه نه، از غزل پیشرو تاثیر گرفتند. این در حالی بود که شعر سپید نزد جامعه و روشنفکران جایگاه مستحکمی پیدا کرده بود. من فکر می کنم اگر ظهور جریان های مختلف در حوزه شعر پس از انقلاب را مورد بررسی قرار دهیم، غزل پیشرو، یکی از موفق ترین آنها و شاید بشود گفت، موفق ترین جریانی بود که در شعر معاصر رقم خورد. ما در این شیوه، مفاهیم و رویکردهایی را در غزل مطرح کردیم که پیش از آن در این قالب، تجربه نشده بود. درواقع با ایجاد برخی تغییرات در زیرساخت غزل، بستری را مهیا کردیم تا حرف های تازه ای در این قالب بزینم.

◀ **موقعیت حال حاضر این جریان را چطور ارزیابی می کنید و چرا کمتر از آن می شنویم؟** دلایش این است که غزل پیشرو ظرف یک دهه، یعنی تا نیمه دهه ۸۰، کار خودش را انجام داد و توانست از بوته نقدها و درگیری ها که بعضاً مواضع تندروانه برخی از جریان ها و افراد را شامل می شد، به سلامتی عبور کند. من در آن مقطع، تنها مانیفست رسمی غزل پیشرو معاصر را نوشتم و در آن، ظهور ژانرهای تازه ای از غزل را پیش بینی کردم که همین اتفاق هم رخ داد. آن مانیفست، همچنان رسمی ترین مانیفست است؛ چرا که شاکر دانش، بعضاً به شاعران سرشناس و نامداری تبدیل شدند؛ چهره هایی که جریان تجربه گرایی را در شعر ایجاد کردند، به شکل حرفه ای در مطبوعات و رسانه ها دست به قلم بردند، مقاله های جدی نوشتند و... در غزل نیز، جریان غزل پیشرو، جلسات و کلاس های متعددی در همان مقطع برگزار می شد که البته خیلی منسجم نبود. اما با آغاز دهه ۸۰، شاهد افزایش جلسات شعر خوانی و کارگاه های موثر در حوزه غزل بودیم. در دهه ۹۰، این رویه کم رنگ تر شد و به طور کلی، جلسات شعر جدی و موثر، به ندرت برگزار می شدند. در پایان

در نیمه دوم دهه ۷۰، زنده یاد دکتر براهنی کارگاهی را برگزار می کرد که شاگردانش، بعضاً به شاعران سرشناس و نامداری تبدیل شدند؛ چهره هایی که جریان تجربه گرایی را در شعر ایجاد کردند، به شکل حرفه ای در مطبوعات و رسانه ها دست به قلم بردند، مقاله های جدی نوشتند و... در غزل نیز، جریان غزل پیشرو، جلسات و کلاس های متعددی در همان مقطع برگزار می شد که البته خیلی منسجم نبود. اما با آغاز دهه ۸۰، شاهد افزایش جلسات شعر خوانی و کارگاه های موثر در حوزه غزل بودیم. در دهه ۹۰، این رویه کم رنگ تر شد و به طور کلی، جلسات شعر جدی و موثر، به ندرت برگزار می شدند. در پایان

در نیمه دوم دهه ۷۰، زنده یاد دکتر براهنی کارگاهی را برگزار می کرد که شاگردانش، بعضاً به شاعران سرشناس و نامداری تبدیل شدند؛ چهره هایی که جریان تجربه گرایی را در شعر ایجاد کردند، به شکل حرفه ای در مطبوعات و رسانه ها دست به قلم بردند، مقاله های جدی نوشتند و... در غزل نیز، جریان غزل پیشرو، جلسات و کلاس های متعددی در همان مقطع برگزار می شد که البته خیلی منسجم نبود. اما با آغاز دهه ۸۰، شاهد افزایش جلسات شعر خوانی و کارگاه های موثر در حوزه غزل بودیم. در دهه ۹۰، این رویه کم رنگ تر شد و به طور کلی، جلسات شعر جدی و موثر، به ندرت برگزار می شدند. در پایان

در نیمه دوم دهه ۷۰، زنده یاد دکتر براهنی کارگاهی را برگزار می کرد که شاگردانش، بعضاً به شاعران سرشناس و نامداری تبدیل شدند؛ چهره هایی که جریان تجربه گرایی را در شعر ایجاد کردند، به شکل حرفه ای در مطبوعات و رسانه ها دست به قلم بردند، مقاله های جدی نوشتند و... در غزل نیز، جریان غزل پیشرو، جلسات و کلاس های متعددی در همان مقطع برگزار می شد که البته خیلی منسجم نبود. اما با آغاز دهه ۸۰، شاهد افزایش جلسات شعر خوانی و کارگاه های موثر در حوزه غزل بودیم. در دهه ۹۰، این رویه کم رنگ تر شد و به طور کلی، جلسات شعر جدی و موثر، به ندرت برگزار می شدند. در پایان

هادی خوانساری در گفت و گوبا «آرمان ملی»:

جریان های پیشرو همیشه با مخالفت و مقاومت مواجه می شوند

این دهه و طی چند سال اخیر نیز که شیوع بیماری کرونا، مانع تجمع و تشکیل جلسات شد. اما مساله این است که شاعری، الزاماً به حضور در کلاس درس و جلسات تئوریک، بستگی ندارد. در حال حاضر، دسترسی به انواع و اقسام کتاب ها و منابع علمی از طریق فضای مجازی فراهم است و زمینه پیشرفت، مهیاتر از گذشته است. فرصت برای آموختن، فراوان است و این یک امتیاز بزرگ است. کمالینکه وقتی مشغول نوشتن مانیفست غزل پیشرو بودم، منبع موثری وجود نداشت که بتوانم مطالب را به مقالات و کتاب هایی شخص، ارجاع بدهم.

◀ **به نظر شما گسترش رسانه های نوین مبتنی بر فضای مجازی، شبکه های اجتماعی همچون اینستاگرام، توییتر و... چه فواید و معایبی را برای شعر به همراه داشته است؟** جهان امروز، جهان رسانه های نوین است. فضای مجازی و امکانات بی پایان آن، حکم قطاری را دارد که نمی شود از آن جا ماند. خصوصاً در سال های اخیر که پاندومی کرونا، جهان را با مشکلات عدیده ای روبه رو کرده بود، فضای مجازی توانست نیازهای روزمره مردم را رفع کند. حتی جلسات شعر خوانی و سخنرانی های ادبی نیز در بستر فضای مجازی، رشد چشمگیری داشته است که یک امتیاز ویژه به شمار می آید؛ هر چند که معایبی هم دارد. از جمله اینکه جلسات حضوری کمتری برگزار می شود و در جلسات مجازی، اتمسفر گفتمان و ارتباط چهره به چهره وجود ندارد. همچنین در فضای مجازی، همیشه بستری ایجاد سوء تفاهم و رنجش ها وجود دارد؛ در حالی که در ملاقات های حضوری، قلب ها را به هم نزدیک ترند و می توان با انتقال مهر و محبت، سوء تفاهم ها را رفع کرد. با همه این احوالات، من هم از تریبون فضای مجازی استفاده می کنم. به هر حال به میانسالی رسیده ام و امکان حضور در تمام جلسات برابم وجود ندارد؛ آن هم جلاستی که شأنیت ادبی داشته باشد، بسیار کم شده. در این شرایط، فعالیت در صفحه شخصی مجازی، امکانات خوبی را برای ارتباط با مخاطبان ایجاد می کند. ولی همان طور که گفتم، معایبی نیز در پی دارد و محدود شدن فعالیت های ادبی به شبکه های اجتماعی، به ضرر شاعران حرفه ای تمام شده است؛ زیرا هر شخص دیگری نیز در سطحی از این امکان به نفع خود استفاده کرده و در برخی از موارد، سره از ناسره قایل تشخیص نیست.

◀ **یکی از فعالیت های شما در سال های اخیر، تاسیس و اداره جلسات «کافه کلمات» حول موضوع شعر و ادبیات بوده است.** درباره این جلسات توضیح دهید.

از سال ۱۳۷۹ مسئولیت برگزاری جلسات شعر خوانی کرج به عهد من بود که به دلیل حضور چهره های سرشناسی که در آن حضور می یافتند، به نوعی مهم ترین جلسه شعر بعد از انقلاب بود. زنده یاد علی اشرف درویشیان، زنده یاد حسین منزوی، محمدعلی بهمنی، علی باباجاهی، جواد مجابی، حافظ موسوی، هرمز علویور، زنده یاد کیومرث منشی زاده، زنده یاد شهرام شیدایی، زنده یاد علیرضا حسینی و... از جمله شاعرانی بودند که در آن جلسه حضور می یافتند اما از اواخر سال ۹۰، جلسات کافه کلمات را در دفتر انتشارات خود راه اندازی کردم که تاکنون میزبان چهره های سرشناسی بوده است. در این جلسات، همواره روال کار اینطور بوده که یک چهره محوری و سرشناس در جلسات حضور داشتند و در کنار سخنرانی او، شعر خوانی و نقد و نظر نیز از بخش های اصلی جلسات به شمار می آید. برخی از جلسات نیز به بهانه بزرگداشت یا برگزاری سالگرد تولد شخصیت های مطرح شعر فارسی برگزار شده و این رویه را در آینده

نیز ادامه خواهیم داد. اخیراً نیز بعد از رفع ممنوعیت های دوره کرونا، سعادت برگزاری نشست بزرگداشت زنده یاد مسعود احمدی، بزرگداشت علی باباجاهی با پخش مستندی که علی قنبری درباره ایشان ساخته بود، و جلسه ای با محوریت آثار نزار قبانی، شاعر مشهور شعر عرب را داشتیم.

◀ **کمی درباره آثار و شعرهایتان توضیح دهید.** می دانم که تعدادی از آنها مدت ها است باز نشر نشده است. و اینکه آیا کتاب تازه ای در دست نگارش یا انتشار دارید؟

بله. خیلی وقت است که کار تازه ای از من منتشر نشده است. آخرین کتابی که از من چاپ شد، «معشوقه شورشی» نام داشت که نشر آستان را منتشر کرد، ولی چند کتاب در دست تالیف و چاپ دارم. یکی از آن ها به موضوع جهانی «حفظ خاک» اختصاص دارد که قرار است ترجمه و در مجمعی جهانی که با محوریت این موضوع فعالیت دارد، ارائه شود. یک مجموعه از شعرهای سپیدم در مسیر انتشار است که پنجمین دفتر شعر سپید من خواهد بود. مجموعه ای از شعرهای من با نام «حکومت زیباییان» به زبان عربی نیز آماده چاپ است که از سوی یکی از ناشران شناخته شده جهان عرب، منتشر خواهد شد که اصغر علی کرمی کار ترجمه آن را انجام داده است. یکسری از شعرهای نیز به زبان آلمانی ترجمه شده که در آینده در قالب یک مجموعه به این زبان، منتشر خواهد شد. یک مجموعه شعر سپید و یک مجموعه غزل نیز دارم که از سوی یکی از ناشران معتبر داخلی، به انتشار خواهد رسید. کتابی با عنوان «کتاب جامع غزل پیشرو» را نیز دارم که رسمی ترین کتاب و مرجع جریان غزل پیشرو در کشور است.

«دنیای سوفی» یک رمان فلسفی اثر یاستین گوردر، نویسنده نروژی است که چاپ اول آن در سال ۱۹۹۱ میلادی در نروژ منتشر شد. این اثر، داستانی است که تاریخ فلسفه را به زبانی ساده تشریح می کند. این کتاب تاکنون به ۵۴ زبان برگردانده شده و توجه همگان را به خود جلب کرده است. کتاب با روایت سوم شخص به ماجراهای «سوفی آموندسن»، دختر چهارده ساله نروژی می پردازد که با مادرش زندگی می کند. در ابتدای داستان، سوفی نامه هایی از یک فرستنده ناشناس دریافت می کند که در آن ها سؤال هایی مانند «تو کیستی؟» و «جهان چگونه به وجود آمد؟» نوشته شده اند. مدتی بعد او بسته های بزرگ تری دریافت می کند که آغازگر یک دوره آموزش فلسفه برای او هستند. سوفی به زودی بی می برد که تمام بسته ها توسط «آلبر تو کناکس» برای وی ارسال می شوند. نویسنده این کتاب، یاستین گوردر، در نروژ به سال ۱۹۵۲ متولد شده است. او سال ها در «برگن» فلسفه تدریس کرده است و پیوسته در فکر متن فلسفی ساده ای که برای شاگردان جوانش مفید باشد. چون متن مناسبی نیافت، شروع به نوشتن کرد و دنیای سوفی (۱۹۹۱) را آفرید. کتاب با استقبال غیره منتظره ای روبه رو شد و در همان چند سال اول انتشار به بیش از ۳۰ زبان ترجمه شد و تاکنون میلیون ها نسخه از آن در جهان فروش رفته است. گوردر استاد ساده نویسی و ایجاز است. ۳ هزار سال اندیشه را در ۶۰۰ صفحه می گنجاند.



اتحادیه ی ابلهان

داستان انتشار «اتحادیه ی ابلهان» نوشته جان کندی تول داستان غریبی است. جان کندی کتاب را در ۳۰ سالگی نوشت و بعد از اینکه هیچ ناشری زیر بار چاپ آن نرفت به زندگی خود پایان داد. مادرش ۱۱ سال تلاش کرد تا بالاخره دانشگاه لوییژیاناراضی به انتشار کتاب شد. کتاب به محض انتشار غوغا به پا کرد و همان سال – ۱۹۸۱ – جایزه پولیتزر را ربود. شاید بتوان محبوبیت کتاب را بانطور دشت سلینجر مقایسه کرد. ایگنیئشس جی رایلی، قهرمان داستان، یک متخصص قرون وسطی است که تمام دنیا را از دریچه کتاب، تسلاای فلسفه یونانیوس، فیلسوف قرون وسطایی می بیند. تمام زندگی اش فلسفه بافی است و انزجار از جامعه آمریکا. او که یک دن کیشت امروز است، وادار می شود از خلوت خود بیرون بیاید و با جامعه ای که از آن متنفر است روبه رو شود و به شیوه دیوانه وار خود با آن بستیزد. رمان اتحادیه ی ابلهان توسط پرسی جکساکس به فارسی ترجمه شده و نشر چشمه آنرا منتشر کرده است.



دروغ/اراده آزاد

خواندن این کتاب مثل دیدن دو فیلم با یک بلیت است. عنوان کتاب اول «دروغ» و عنوان کتاب دوم «اراده آزاد» است. با توجه به موج بودن این دو کتاب آقای خشایار دیهیمی، مدیر مجموعه کتاب های «تجربه و هنر زندگی» تصمیم گرفته است تا این دو را در یک کتاب تحت عنوان دروغ/اراده آزاد منتشر کند. کتاب اول در مورد دروغ است: «ما دروغ را ریشه همه بدی ها می دانستیم، اما اکنون اگر در اطرافمان کمی دقیق شویم می بینیم که چطور این فاضلاب سمی زندگی ما و اطرافیان ما را آلوده کرده است. که آنجا که توانایی یک فرد در دروغگویی معیاری برای «زرنگی» او شده است و فرهنگ «زرنگ بازی» سالیان درازی است که با تغذیه از این فاضلاب سمی سر پر آورده و در جامعه ریشه دوانده است.» در این کتاب سم هریس دانشمند عصب شناس از دانشگاه کالیفرنیا به واکاوی دروغ می پردازد. اینکه دروغ چیست؟ راز و دروغ چگونه ممکن است با هم مرتبط شوند؟ در موارد افراطی و حاد تکلیف دروغ چه می شود؟ اگر تصمیم بگیریم دیگر هرگز دروغ نگوئیم در روابطمان چه تغییریاتی به وجود می آید؟ کدام حقایق ناگهان در زندگی مان جلوی چشم ظاهر می شوند؟ به گمانم تلاش برای یافتن پاسخ این پرسش ها به زحمشت می آزد. اما کتاب دوم در مورد اراده آزاد است: «آیا اراده آزاد وجود دارد؟ آگاهی و ناخودآگاه چیست؟ آیا اراده از آگاهی برمی خیزد یا اینکه در دل ناخودآگاه جای آنچه در کودکی گذشته است چه تاثیری بر اراده فرد در آینده دارد؟ جالب دیگری که سم هریس از دیدگاه دانش عصب شناسی نوین سعی در واکاوی آنها دارد و خواندن آن تاثیر بسزایی در خودشناسی خودمان خواهد داشت.»

